



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۵/۰۶

ولی شاکر

ای دست صبح روشن فردای روزگار

ای دست صبح روشن فردای روزگار
بردار پرده از شب یلدای روزگار

زنجیر ظلم و نفرت و رنج و شقا و درد
با دست مهر بر فگن از پای روزگار

هشدار نیستان! که سرائیده ام غزل
با قال و قیل و ناله و با نای روزگار

پر کرد بس که جام مرا از شراب عشق
آخر شکست گردن مینای روزگار

شاکر ز من ترانهء جهد و قیام جو
شعرم مباد نغمهء لالای روزگار